

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۲

افزوده ای بر خبر بازداشت موقت آقای "خلاند"!

دوشنبه - ۰۲ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: به دنبال افشای هویت استخباراتی فیض محمد "خلاند" که پیوند های پیدا و پنهان طالب و زمامداران نظام ملاسالار را با امپریالیسم امریکا به خصوص "سیا" نشان می دهد در روز گذشته، تا جایی که دیده می شود استاد مذکور در دفاع از خودش و برای کتمان واقعیت می خواهد با داستانسرای مبتذل نه تنها هویت استخباراتی خودش را مخفی نماید بلکه بازداشت موقت چهار روزه اش را دستمایه ساخته، بدان وسیله خود را مخالف امپریالیسم امریکا نیز نشان بدهد. نامبرده در توئیترش نگاشته است:

« به دعوت PBS Frontline برای مشاوره درباره یک فلم مستند درباره افغانستان که روی آن کار می کند در دالاس دعوت شد بوده و همچنین در حال برنامه ریزی یک سری جلسه هانی برای تز دکترای خود بود، اما در ۱ اکتوبر در میدان هوایی از سوی سرویس های امنیتی امریکا دستگیر و از آن کشور بیرون انداخته شد. او افزوده است، که سرویس های امنیتی امریکا در گوشی هوشمند او انس حقانی، برادر وزیر داخله گروه طالبان را داشت که امریکا برای سر او جایزه ای ۵ میلیون دالر گماشته است. او افزوده است، که این خنده دار است که وقتی خود انس حقانی به قطر و ناروی می رود، هیچ کس از او پرسان نمی کند.

او همچنان از زندانی شدن و بازجویی شدن خودش نوشته است. او افزوده است، که از این وضعیت زمانی خلاص شد که به دفتر تام وست نماینده ای ویژه امریکا برای افغانستان زنگ زده است، « سپوتنیک/ توئیتر شخص "خلاند".

هموطنان گرامی!

نمی دانم آقای "خلاند" خودش احمق است و یا مردم افغانستان را احمق فرض نموده، چنان دلیلی را مطرح می سازد که خودش هم آن را مضحک و خنده دار می داند. در یادداشت امروز به خاطر معرفی هرچه بیشتر این جاسوس "سیا" که به مانند بقیه زمامداران طالب در خدمت "سیا" قرار دارد، اندکی ادعایش را سبک و سنگین می نمایم:

۱- آقای "خلاند" اولاً نهاد PBS Frontline را معرفی نمی نماید و نمی نویسد که آن مرکز، یکی از زیر مجموعه ها و مراکزی است که نه تنها تمام کارهایش را به دستور و مطابق خواست "سیا" انجام می دهد، بلکه از طریق آن نهاد تمویل نیز می گردد. در ثانی ایشان کمترین اشاره ای به این نکته نمی کند که چه مناسباتی بین شغل و رشته تحصیلی و

تدریسی ایشان با فلم و فلم سازی وجود دارد که از بین اینهمه آدم متخصص ایشان دعوت می شوند و نه تنها نظام ملاسالار خلاف روال عادی کارشان که از بیرون رفتن استادان پوهنتون حتا برای تداوی جلوگیری می نمایند، برای ایشان پاسپورت می دهند و ویزای امریکا را در حالی که سفارت امریکا در افغانستان با تمام سازوبرگ آن مسدود است، دریافت می دارند، تمام این معجزات به کدام لطفی صورت می گیرد.

۲- این که ایشان علت بازداشت موقت شان را داشتن شماره تلفون "انس حقانی" معرفی نموده اند، باز هم خواسته اند به شعور خوانندگان و مردم افغانستان توهین نمایند. زیرا:

طبق یک ریسرچ عادی از طریق انترنیت در میدان هوایی دالاس واشنگتن، روزانه بین ۵۰۰ الی ۷۰۰ هزار مسافر رفت و آمد می کنند. مسافرانی که می خواهند از آن طریق خارج شوند موظف اند در تلاشی های امنیتی پولیس، محتویات جیب شان را که شامل کلید ها، قلم، تلفون همراه، بگسک جیبی و بقیه را در سبد های مخصوص بگذرانند، در حالی که حین آمدن، صرف بکسهای شان کنترل گمرکی می گردد و چک امنیتی که بازکردن تلفون و دیدن شماره های آن باشد در هیچ میدان هوایی امریکا و حتا جهان نه وجود دارد و نه هم با در نظرداشت روزانه به صد ها میلیون مسافر عملی است.

با در نظرداشت این حجم کار آقای "خلاند" باید بگوید که چرا از بین آنهمه مسافر یعنی بین ۵۰۰ الی ۷۰۰ هزار، تلفون ایشان را چک نموده اند. از آن جایی که خود با در نظرداشت تحرکات شخص "انس حقانی" عملکرد پولیس امریکا و یا هم استدلال خودشان را مسخره دانسته اند، در آن مورد چیزی نمی گویم.

۳- آقای "خلاند" فراموش نموده اند به مثابه یک استاد که به ارتباط تز دکتورای شان می خواهند کار نمایند، قبل از ارائه چنین استدلالی راجع به روال کار بازداشت - عادی و غیر عادی - نخست اندکی تحقیق نمایند و بعد استدلال شان را بیان دارند.

دوستانی که با روال کار بازداشت افراد در ایالات متحده امریکا آشنا هستند، در مورد چنین اطلاع می دهند:

وقتی پولیس فردی را حتا برای **جرایم عادی** بازداشت می نماید، برای وی بعد از تذکر حقوقش این اجازه را می دهند تا **صرف به یک شماره** تماس بگیرد. آن شماره می تواند مستقیماً به یک وکیل باشد و یا یک تن از اعضای خانواده جهت استخدام یک وکیل.

اما وقتی پای بازداشت غیر عادی از جمله رابطه با تروریسم باشد، فرد بازداشت شده نه تنها اجازه نمی یابد که حتا یک تلفون به کدام جایی نماید، بلکه خودش نیز مخفیانه و دور از چشم همه به گفته مردم "غیب و غراب" می گردد. نه این که از یک جانب فردی را به اتهام رابطه با یک تروریست تحت تعقیب بازداشت کنند و از طرف دیگر محل بازداشت را برای وی دفتر مخابرات ساخته به وی اجازه دهند تا با هر کسی که می خواهد من جمله خبرنگاران تماس بگیرد.

۴- آقای "خلاند" نمی گوید که آشنائی اش با "تام ویست" نماینده مخصوص وزارت خارجه امریکا در امور افغانستان بر کدام مبنائی استوار شده بود. این درست که با "خلیلزاد" به حساب افغان بودن و با استاد امریکائی بر مبنای روابط فرهنگی می توانسته آشنائی داشته باشد، مگر با "تام ویست" با آن مقام و موقعیت چه؟
هموطنان گرامی!

آیا می توانید تصور کنید که شما خود وقتی در جریان مسافرت در یکی از کشور ها وقتی پولیس بخواهد شما را بازداشت نماید، شما بتوانید با سفیر آن کشور تماس بگیرید؟؟ من که عقلم قد نمی دهد، شما را نمی دانم.

واقعیت قضیه این که امپریالیسم امریکا و شرکاء در طی دوران حاکمیت مستقیم جبارانه شان در افغانستان، بین طیف های مختلفی از افراد جامعه ما نفوذ نموده شاخک های ارتباطی خود را ایجاد نموده اند. چنین افرادی چه بخواهند و چه نخواهند با کمال تأسف مهر خیانت بر پیشانی شان حک شده است.

از این جمع به ده ها و صد ها تن کسانی اند که همین اکنون به مثابه چشم و گوش نهاد های امنیتی استخباراتی به خصوص "سیا" در داخل و خارج افغانستان مشغول فعالیت می باشند از این جمع همین اکنون آنهایی که طالب اند و یا با طالب همکار اند می تواند شمار بیشتری را داشته باشند.

با حرکت از چنین واقعیتی داستان آقای "خلاند" منطق خود را می یابد. وی از طرف یک نهاد مربوط به "سیا" دعوت می شود، "اف. بی. آی." به مانند همیشه آن نهاد و افرادی را که دعوت می نماید زیر نظر دارد در نتیجه تلفون همراهش مورد کنترل قرار می گیرد، یافتن شماره "انس حقانی" بهانه ای می گردد برای بازداشت موقت وی. این بازداشت تمام "سیا" را به حرکت می اندازد، افراد آنها با خلیل زاد، تام ویست، خبرنگاران ... تماس می گیرند و فرد خود را از چنگ "اف. بی. آی." رها می سازند با آنهم "اف. بی. آی." از صلاحیت اداری خود کار گرفته، ویزای ورودش به امریکا را باطل و خودش را اخراج می نماید. این بود واقعیت تمام قضیه.

هموطنان گرامی!

حد اقل از آغاز مذاکرات دوحه بین امپریالیسم امریکا با طالب، مناسبات آنها چنان افشاء شده و کوس رسوائی نوکری طالب آنقدر قوی به صدا در آمده که دیگر هیچ ممکن نیست با چنین داستانسرائی ها، بشود به تن طالب و نظام ملاسالار لباس ضدیت با امریکا را نمود. امروز از خرد تا بزرگ مردم افغانستان می دانند که امپریالیسم امریکا روی دلایلی چند، نوکران قبلی شان را برداشته، سگان زنجیری هار طالب شان به جان مردم انداخته اند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**